



کسانی که از جنگ موصل می‌گریختند باید از کوکچالی، روستایی کر دشتین در مسیر الخضری، یکی از اردوگاه‌های آوارگان بی‌مهر می‌گردند



در زمان آرزایی میز آن خسارات وارده شده به دلیل جنگ در شهر یمنی صنعاء، یکی از کارکنان صلیب سرخ در حال گوش دادن به توضیحات یکی از ساکنان از شرایط خود است



در حالی که در زمان آرزایی میز آن خسارات وارده شده به دلیل جنگ در شهر یمنی صنعاء، یکی از کارکنان صلیب سرخ در حال گوش دادن به توضیحات یکی از ساکنان از شرایط خود است



در حالی که در زمان آرزایی میز آن خسارات وارده شده به دلیل جنگ در شهر یمنی صنعاء، یکی از کارکنان صلیب سرخ در حال گوش دادن به توضیحات یکی از ساکنان از شرایط خود است

خاورمیانه در سالی که گذشت

شهرهایی که در جنگ می‌میرند!

تخمین زده می‌شود که تا پایان ۲۰۱۵ حدود ۶۵ میلیون نفر در اثر درگیری یا آزار و اذیت آواره شده‌اند

باید همین حالا دست به کار شد، با قاطعیت و براساس انسجام، تا بالاخره روزی ساکنان شهرهای درگیر جنگ بتوانند بگویند: «من شاهد تولد دوباره شهرم بودم»

اول از همه این که آنان باید بیشتر کار کنند تا راه‌حلی سیاسی برای مشکل خود بیابند. جدای از آن، طرف‌های جنگ هم باید متوجه آثار نبرد روی مردمی باشند که در نهایت می‌خواهند بر آنها حکمرانی کنند. در غیر این صورت، وقتی مردم همه چیز خود را از دست داده و دچار آلامی به این شدت شده‌اند و خدماتی که برای حیات آنها ضروری هستند به شدت خسارت دیده‌اند یا کم‌کم تخریب شده‌اند، دیگر چه چیزی برای طرف‌های جنگ باقی خواهد ماند تا بر آن حکومت کنند؟ آیا طرف‌های پیروز خواهند توانست صلح و آرامش را حفظ کنند اگر مردم باور داشته باشند که آنها نه قانون را رعایت کرده‌اند و نه به انسانیت احترام گذاشته‌اند؟

حفاظت‌های خارجی هم به سبب شدن هزاران گروه مسلح از زمین‌های کرده که در نتیجه برای آن درگیری افزوده و دستیابی به صلح را هرچه مشکل‌تر ساخته است. دولت‌هایی که از طرف‌های محاصره مسلحانه حمایت می‌کنند، باید از نفوذ خود استفاده کرده و به منافع قربانیان محاصره مسلحانه توجه کنند. آنها نباید نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه را ترغیب و از آن حمایت کنند و باید هر کاری از دست‌شان برمی‌آید انجام دهند تا رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه تضمین شود.

همچنین باید از گذشته درس گرفت و به سرعت گام‌های لازم برای بازسازی جامع محلی را برداشت تا دسترسی مردم به آموزش قطع نشده و از آوارگان حمایت شود و نیز باید در تلاش‌های جامع برای دستیابی به صلح مشارکت داشت. با عملکردی قاطع و هماهنگ، شهرها و مساکنان آنها خواهند توانست خود را بازسازی کرده و محلاتی که به ویرانه‌ای تبدیل شده‌اند، با سرعت بیشتری بازسازی شوند. این کار نیازمند همکاری بین‌المللی است که برای حمایت از آنها ضروری است. برای این منظور، باید از تمام کشورهای جهان دعوت کرد تا با همکاری خود، به بازسازی و احیای شهرهای آسیب‌دیده کمک کنند. این کار نیازمند همکاری بین‌المللی است که برای حمایت از آنها ضروری است. برای این منظور، باید از تمام کشورهای جهان دعوت کرد تا با همکاری خود، به بازسازی و احیای شهرهای آسیب‌دیده کمک کنند.

۶۵ میلیون سوری‌های آوارگ خود یا در پناهگاه‌های ویژه یا بازسازی جامع میزبان در داخل سوریه زندگی می‌کنند و بیش از ۵ میلیون نفر از آنان هم کشور را ترک کرده‌اند. به همین ترتیب، بیش از ۸ درصد از یمنی‌ها و عراقی‌ها هم آواره شده‌اند.

آثار ناسمجند

آثار ویرانگر حمله به محیط‌های شهری یکی از عواملی است که مردم راهی به جز ترک خانه و شهر خود نداشته‌اند. اگر یک لوله آب یا فاضلاب به دلیل انفجار بمب صدمه ببیند، هزاران نفر ممکن است دیگر به آب پاک دسترسی نداشته باشند که به نوبه خود منجر به مشکلات بهداشتی و خطر بسیار بزرگتری چون بیماری‌های مسری می‌شود. اگر یک بیمارستان یا بیمارستان‌های دیگر در اثر انفجار یا تخریب تخریب شده‌اند، هزاران نفر ممکن است به دلیل بیماری و عفونت‌هایی که به راحتی قابل درمان هستند جان خود را از دست بدهند. چون تأسیسات درمانی و کارکنان آن برای کمک به آنها موجود نبوده‌اند، همین حال، نبردهای سهمگین در طول شب و روز و بمباران دائمی، مردم را وادار به زندگی در ترس، هراس و اندوهی دائمی می‌کند. این می‌تواند منجر به استرس و تنش حاد شود که خود بازسازی زندگی، یافتن و حفظ شغل و شکرستن چرخه خشونت را برای مردم بسیار مشکل می‌کند.

سپس نوبت به کار طولانی مدت بازسازی می‌رسد که نه فقط به دلیل تخریب کامل زیرساخت‌ها، بلکه همچنین به دلیل میلیون‌ها گلوله و مهمات عمل نکرده که در میان ویرانه‌ها پنهان هستند. کاری بسیار پیچیده است. شاید حتی نتوان هزینه اصلی جنگ شهر را اندازه‌گیری کرد. کودکان از آموزش و کودکی کردن محروم شده‌اند. هیچ نسلی امیدیه به آینده ندارد. جامع محلی به دلیل شرایط حاد، بی‌اعتمادی و نفرت از هم پاشیده شده‌اند. کارکنان ماهر رفته‌اند. جوانان در خشونت‌ها گرفتار شده‌اند. اینها واقعیت‌های محاصره‌شده در مناطق شهری است. دلایل اجبار بسیاری از مردم به فرار هستند.

استان کسانی که در بچوحه جنگ شهری زندگی می‌کنند به ما چه می‌گوید؟ می‌گوید که هزینه انسانی جنگ شهری خیلی بالاست. کسانی که در این محاصرات شدید و طولانی نقشه می‌زنند، چه نقش سیاسی و چه نظامی، باید به تمامی هزینه‌های احتمالی توجه کنند، چه کوتاه و چه طولانی مدت و برای حذف یا کاهش این هزینه‌ها اقدامی عاجل نمایند.

چیزهای زیادی برای دست دادن و چیزهای زیادی هم برای دست آوردن وجود دارند اما ما باید هم اینک دست به کار شویم، با اراده و به

ارایه می‌دهند، به ما شمای از ترس و وحشت روزمره مردم گرفتار در این شرایط را می‌نمایند. شهرهایی که در اختیار از آنها شنیده‌ایم - حلب، حمص، موصل، فلوچه، رمادی، تمز - همگی در دل داستان‌های مهمی برای گفتن دارند. شهر حلب در سوریه برای بیش از هزار سال مرکز یادگیری، موسیقی و تجارت و تائیش از آغاز جنگ قلب اقتصاد کشور هم بوده است، اما اکنون مرکز تاریخی آن تا حد زیادی تخریب شده، جمعیت آن کاهش یافته و حیات معنوی، فرهنگی و اقتصادی آن نابود شده است. شهر موصل در عراق زمانی به دلیل برداری مردم‌دانش و نیز اختلاط ادیان و فرهنگ‌ها مشهور بود. تعز در جنوب غربی یمن، پیش از محاصره ۱۵ ماهه مرکز صنعت، تولید قهوه و تحصیل بود. زندگی مردم در این شهرها تحت تأثیر جنگ بوده یا هنوز هم اینچنین است. جنگی که در خیابان کرب مقابل خانه‌ها و محل‌های کسب آنان رخ می‌دهد. مردم بسیاری از دیگر شهرهای عراق، سوریه و یمن هم داستان‌های مشابهی برای نقل کردن دارند.

آرایه می‌دهند، به ما شمای از ترس و وحشت روزمره مردم گرفتار در این شرایط را می‌نمایند. شهرهایی که در اختیار از آنها شنیده‌ایم - حلب، حمص، موصل، فلوچه، رمادی، تمز - همگی در دل داستان‌های مهمی برای گفتن دارند. شهر حلب در سوریه برای بیش از هزار سال مرکز یادگیری، موسیقی و تجارت و تائیش از آغاز جنگ قلب اقتصاد کشور هم بوده است، اما اکنون مرکز تاریخی آن تا حد زیادی تخریب شده، جمعیت آن کاهش یافته و حیات معنوی، فرهنگی و اقتصادی آن نابود شده است. شهر موصل در عراق زمانی به دلیل برداری مردم‌دانش و نیز اختلاط ادیان و فرهنگ‌ها مشهور بود. تعز در جنوب غربی یمن، پیش از محاصره ۱۵ ماهه مرکز صنعت، تولید قهوه و تحصیل بود. زندگی مردم در این شهرها تحت تأثیر جنگ بوده یا هنوز هم اینچنین است. جنگی که در خیابان کرب مقابل خانه‌ها و محل‌های کسب آنان رخ می‌دهد. مردم بسیاری از دیگر شهرهای عراق، سوریه و یمن هم داستان‌های مشابهی برای نقل کردن دارند.

باید همین حالا دست به کار شد، با قاطعیت و براساس انسجام، تا بالاخره روزی ساکنان شهرهای درگیر جنگ بتوانند بگویند: «من شاهد تولد دوباره شهرم بودم»

اول از همه این که آنان باید بیشتر کار کنند تا راه‌حلی سیاسی برای مشکل خود بیابند. جدای از آن، طرف‌های جنگ هم باید متوجه آثار نبرد روی مردمی باشند که در نهایت می‌خواهند بر آنها حکمرانی کنند. در غیر این صورت، وقتی مردم همه چیز خود را از دست داده و دچار آلامی به این شدت شده‌اند و خدماتی که برای حیات آنها ضروری هستند به شدت خسارت دیده‌اند یا کم‌کم تخریب شده‌اند، دیگر چه چیزی برای طرف‌های جنگ باقی خواهد ماند تا بر آن حکومت کنند؟ آیا طرف‌های پیروز خواهند توانست صلح و آرامش را حفظ کنند اگر مردم باور داشته باشند که آنها نه قانون را رعایت کرده‌اند و نه به انسانیت احترام گذاشته‌اند؟

حفاظت‌های خارجی هم به سبب شدن هزاران گروه مسلح از زمین‌های کرده که در نتیجه برای آن درگیری افزوده و دستیابی به صلح را هرچه مشکل‌تر ساخته است. دولت‌هایی که از طرف‌های محاصره مسلحانه حمایت می‌کنند، باید از نفوذ خود استفاده کرده و به منافع قربانیان محاصره مسلحانه توجه کنند. آنها نباید نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه را ترغیب و از آن حمایت کنند و باید هر کاری از دست‌شان برمی‌آید انجام دهند تا رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه تضمین شود.

همچنین باید از گذشته درس گرفت و به سرعت گام‌های لازم برای بازسازی جامع محلی را برداشت تا دسترسی مردم به آموزش قطع نشده و از آوارگان حمایت شود و نیز باید در تلاش‌های جامع برای دستیابی به صلح مشارکت داشت. با عملکردی قاطع و هماهنگ، شهرها و مساکنان آنها خواهند توانست خود را بازسازی کرده و محلاتی که به ویرانه‌ای تبدیل شده‌اند، با سرعت بیشتری بازسازی شوند. این کار نیازمند همکاری بین‌المللی است که برای حمایت از آنها ضروری است. برای این منظور، باید از تمام کشورهای جهان دعوت کرد تا با همکاری خود، به بازسازی و احیای شهرهای آسیب‌دیده کمک کنند. این کار نیازمند همکاری بین‌المللی است که برای حمایت از آنها ضروری است. برای این منظور، باید از تمام کشورهای جهان دعوت کرد تا با همکاری خود، به بازسازی و احیای شهرهای آسیب‌دیده کمک کنند.

۶۵ میلیون سوری‌های آوارگ خود یا در پناهگاه‌های ویژه یا بازسازی جامع میزبان در داخل سوریه زندگی می‌کنند و بیش از ۵ میلیون نفر از آنان هم کشور را ترک کرده‌اند. به همین ترتیب، بیش از ۸ درصد از یمنی‌ها و عراقی‌ها هم آواره شده‌اند.

آثار ناسمجند

آثار ویرانگر حمله به محیط‌های شهری یکی از عواملی است که مردم راهی به جز ترک خانه و شهر خود نداشته‌اند. اگر یک لوله آب یا فاضلاب به دلیل انفجار بمب صدمه ببیند، هزاران نفر ممکن است دیگر به آب پاک دسترسی نداشته باشند که به نوبه خود منجر به مشکلات بهداشتی و خطر بسیار بزرگتری چون بیماری‌های مسری می‌شود. اگر یک بیمارستان یا بیمارستان‌های دیگر در اثر انفجار یا تخریب تخریب شده‌اند، هزاران نفر ممکن است به دلیل بیماری و عفونت‌هایی که به راحتی قابل درمان هستند جان خود را از دست بدهند. چون تأسیسات درمانی و کارکنان آن برای کمک به آنها موجود نبوده‌اند، همین حال، نبردهای سهمگین در طول شب و روز و بمباران دائمی، مردم را وادار به زندگی در ترس، هراس و اندوهی دائمی می‌کند. این می‌تواند منجر به استرس و تنش حاد شود که خود بازسازی زندگی، یافتن و حفظ شغل و شکرستن چرخه خشونت را برای مردم بسیار مشکل می‌کند.

سپس نوبت به کار طولانی مدت بازسازی می‌رسد که نه فقط به دلیل تخریب کامل زیرساخت‌ها، بلکه همچنین به دلیل میلیون‌ها گلوله و مهمات عمل نکرده که در میان ویرانه‌ها پنهان هستند. کاری بسیار پیچیده است. شاید حتی نتوان هزینه اصلی جنگ شهر را اندازه‌گیری کرد. کودکان از آموزش و کودکی کردن محروم شده‌اند. هیچ نسلی امیدیه به آینده ندارد. جامع محلی به دلیل شرایط حاد، بی‌اعتمادی و نفرت از هم پاشیده شده‌اند. کارکنان ماهر رفته‌اند. جوانان در خشونت‌ها گرفتار شده‌اند. اینها واقعیت‌های محاصره‌شده در مناطق شهری است. دلایل اجبار بسیاری از مردم به فرار هستند.

آرایه می‌دهند، به ما شمای از ترس و وحشت روزمره مردم گرفتار در این شرایط را می‌نمایند. شهرهایی که در اختیار از آنها شنیده‌ایم - حلب، حمص، موصل، فلوچه، رمادی، تمز - همگی در دل داستان‌های مهمی برای گفتن دارند. شهر حلب در سوریه برای بیش از هزار سال مرکز یادگیری، موسیقی و تجارت و تائیش از آغاز جنگ قلب اقتصاد کشور هم بوده است، اما اکنون مرکز تاریخی آن تا حد زیادی تخریب شده، جمعیت آن کاهش یافته و حیات معنوی، فرهنگی و اقتصادی آن نابود شده است. شهر موصل در عراق زمانی به دلیل برداری مردم‌دانش و نیز اختلاط ادیان و فرهنگ‌ها مشهور بود. تعز در جنوب غربی یمن، پیش از محاصره ۱۵ ماهه مرکز صنعت، تولید قهوه و تحصیل بود. زندگی مردم در این شهرها تحت تأثیر جنگ بوده یا هنوز هم اینچنین است. جنگی که در خیابان کرب مقابل خانه‌ها و محل‌های کسب آنان رخ می‌دهد. مردم بسیاری از دیگر شهرهای عراق، سوریه و یمن هم داستان‌های مشابهی برای نقل کردن دارند.

آرایه می‌دهند، به ما شمای از ترس و وحشت روزمره مردم گرفتار در این شرایط را می‌نمایند. شهرهایی که در اختیار از آنها شنیده‌ایم - حلب، حمص، موصل، فلوچه، رمادی، تمز - همگی در دل داستان‌های مهمی برای گفتن دارند. شهر حلب در سوریه برای بیش از هزار سال مرکز یادگیری، موسیقی و تجارت و تائیش از آغاز جنگ قلب اقتصاد کشور هم بوده است، اما اکنون مرکز تاریخی آن تا حد زیادی تخریب شده، جمعیت آن کاهش یافته و حیات معنوی، فرهنگی و اقتصادی آن نابود شده است. شهر موصل در عراق زمانی به دلیل برداری مردم‌دانش و نیز اختلاط ادیان و فرهنگ‌ها مشهور بود. تعز در جنوب غربی یمن، پیش از محاصره ۱۵ ماهه مرکز صنعت، تولید قهوه و تحصیل بود. زندگی مردم در این شهرها تحت تأثیر جنگ بوده یا هنوز هم اینچنین است. جنگی که در خیابان کرب مقابل خانه‌ها و محل‌های کسب آنان رخ می‌دهد. مردم بسیاری از دیگر شهرهای عراق، سوریه و یمن هم داستان‌های مشابهی برای نقل کردن دارند.

باید همین حالا دست به کار شد، با قاطعیت و براساس انسجام، تا بالاخره روزی ساکنان شهرهای درگیر جنگ بتوانند بگویند: «من شاهد تولد دوباره شهرم بودم»

اول از همه این که آنان باید بیشتر کار کنند تا راه‌حلی سیاسی برای مشکل خود بیابند. جدای از آن، طرف‌های جنگ هم باید متوجه آثار نبرد روی مردمی باشند که در نهایت می‌خواهند بر آنها حکمرانی کنند. در غیر این صورت، وقتی مردم همه چیز خود را از دست داده و دچار آلامی به این شدت شده‌اند و خدماتی که برای حیات آنها ضروری هستند به شدت خسارت دیده‌اند یا کم‌کم تخریب شده‌اند، دیگر چه چیزی برای طرف‌های جنگ باقی خواهد ماند تا بر آن حکومت کنند؟ آیا طرف‌های پیروز خواهند توانست صلح و آرامش را حفظ کنند اگر مردم باور داشته باشند که آنها نه قانون را رعایت کرده‌اند و نه به انسانیت احترام گذاشته‌اند؟

حفاظت‌های خارجی هم به سبب شدن هزاران گروه مسلح از زمین‌های کرده که در نتیجه برای آن درگیری افزوده و دستیابی به صلح را هرچه مشکل‌تر ساخته است. دولت‌هایی که از طرف‌های محاصره مسلحانه حمایت می‌کنند، باید از نفوذ خود استفاده کرده و به منافع قربانیان محاصره مسلحانه توجه کنند. آنها نباید نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه را ترغیب و از آن حمایت کنند و باید هر کاری از دست‌شان برمی‌آید انجام دهند تا رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه تضمین شود.

همچنین باید از گذشته درس گرفت و به سرعت گام‌های لازم برای بازسازی جامع محلی را برداشت تا دسترسی مردم به آموزش قطع نشده و از آوارگان حمایت شود و نیز باید در تلاش‌های جامع برای دستیابی به صلح مشارکت داشت. با عملکردی قاطع و هماهنگ، شهرها و مساکنان آنها خواهند توانست خود را بازسازی کرده و محلاتی که به ویرانه‌ای تبدیل شده‌اند، با سرعت بیشتری بازسازی شوند. این کار نیازمند همکاری بین‌المللی است که برای حمایت از آنها ضروری است. برای این منظور، باید از تمام کشورهای جهان دعوت کرد تا با همکاری خود، به بازسازی و احیای شهرهای آسیب‌دیده کمک کنند. این کار نیازمند همکاری بین‌المللی است که برای حمایت از آنها ضروری است. برای این منظور، باید از تمام کشورهای جهان دعوت کرد تا با همکاری خود، به بازسازی و احیای شهرهای آسیب‌دیده کمک کنند.

۶۵ میلیون سوری‌های آوارگ خود یا در پناهگاه‌های ویژه یا بازسازی جامع میزبان در داخل سوریه زندگی می‌کنند و بیش از ۵ میلیون نفر از آنان هم کشور را ترک کرده‌اند. به همین ترتیب، بیش از ۸ درصد از یمنی‌ها و عراقی‌ها هم آواره شده‌اند.

آثار ناسمجند

آثار ویرانگر حمله به محیط‌های شهری یکی از عواملی است که مردم راهی به جز ترک خانه و شهر خود نداشته‌اند. اگر یک لوله آب یا فاضلاب به دلیل انفجار بمب صدمه ببیند، هزاران نفر ممکن است دیگر به آب پاک دسترسی نداشته باشند که به نوبه خود منجر به مشکلات بهداشتی و خطر بسیار بزرگتری چون بیماری‌های مسری می‌شود. اگر یک بیمارستان یا بیمارستان‌های دیگر در اثر انفجار یا تخریب تخریب شده‌اند، هزاران نفر ممکن است به دلیل بیماری و عفونت‌هایی که به راحتی قابل درمان هستند جان خود را از دست بدهند. چون تأسیسات درمانی و کارکنان آن برای کمک به آنها موجود نبوده‌اند، همین حال، نبردهای سهمگین در طول شب و روز و بمباران دائمی، مردم را وادار به زندگی در ترس، هراس و اندوهی دائمی می‌کند. این می‌تواند منجر به استرس و تنش حاد شود که خود بازسازی زندگی، یافتن و حفظ شغل و شکرستن چرخه خشونت را برای مردم بسیار مشکل می‌کند.

سپس نوبت به کار طولانی مدت بازسازی می‌رسد که نه فقط به دلیل تخریب کامل زیرساخت‌ها، بلکه همچنین به دلیل میلیون‌ها گلوله و مهمات عمل نکرده که در میان ویرانه‌ها پنهان هستند. کاری بسیار پیچیده است. شاید حتی نتوان هزینه اصلی جنگ شهر را اندازه‌گیری کرد. کودکان از آموزش و کودکی کردن محروم شده‌اند. هیچ نسلی امیدیه به آینده ندارد. جامع محلی به دلیل شرایط حاد، بی‌اعتمادی و نفرت از هم پاشیده شده‌اند. کارکنان ماهر رفته‌اند. جوانان در خشونت‌ها گرفتار شده‌اند. اینها واقعیت‌های محاصره‌شده در مناطق شهری است. دلایل اجبار بسیاری از مردم به فرار هستند.

آرایه می‌دهند، به ما شمای از ترس و وحشت روزمره مردم گرفتار در این شرایط را می‌نمایند. شهرهایی که در اختیار از آنها شنیده‌ایم - حلب، حمص، موصل، فلوچه، رمادی، تمز - همگی در دل داستان‌های مهمی برای گفتن دارند. شهر حلب در سوریه برای بیش از هزار سال مرکز یادگیری، موسیقی و تجارت و تائیش از آغاز جنگ قلب اقتصاد کشور هم بوده است، اما اکنون مرکز تاریخی آن تا حد زیادی تخریب شده، جمعیت آن کاهش یافته و حیات معنوی، فرهنگی و اقتصادی آن نابود شده است. شهر موصل در عراق زمانی به دلیل برداری مردم‌دانش و نیز اختلاط ادیان و فرهنگ‌ها مشهور بود. تعز در جنوب غربی یمن، پیش از محاصره ۱۵ ماهه مرکز صنعت، تولید قهوه و تحصیل بود. زندگی مردم در این شهرها تحت تأثیر جنگ بوده یا هنوز هم اینچنین است. جنگی که در خیابان کرب مقابل خانه‌ها و محل‌های کسب آنان رخ می‌دهد. مردم بسیاری از دیگر شهرهای عراق، سوریه و یمن هم داستان‌های مشابهی برای نقل کردن دارند.

آرایه می‌دهند، به ما شمای از ترس و وحشت روزمره مردم گرفتار در این شرایط را می‌نمایند. شهرهایی که در اختیار از آنها شنیده‌ایم - حلب، حمص، موصل، فلوچه، رمادی، تمز - همگی در دل داستان‌های مهمی برای گفتن دارند. شهر حلب در سوریه برای بیش از هزار سال مرکز یادگیری، موسیقی و تجارت و تائیش از آغاز جنگ قلب اقتصاد کشور هم بوده است، اما اکنون مرکز تاریخی آن تا حد زیادی تخریب شده، جمعیت آن کاهش یافته و حیات معنوی، فرهنگی و اقتصادی آن نابود شده است. شهر موصل در عراق زمانی به دلیل برداری مردم‌دانش و نیز اختلاط ادیان و فرهنگ‌ها مشهور بود. تعز در جنوب غربی یمن، پیش از محاصره ۱۵ ماهه مرکز صنعت، تولید قهوه و تحصیل بود. زندگی مردم در این شهرها تحت تأثیر جنگ بوده یا هنوز هم اینچنین است. جنگی که در خیابان کرب مقابل خانه‌ها و محل‌های کسب آنان رخ می‌دهد. مردم بسیاری از دیگر شهرهای عراق، سوریه و یمن هم داستان‌های مشابهی برای نقل کردن دارند.



فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر امسال نودنهمین سالگرد تأسیس خود را جشن می‌گیرند

«همه جا برای همه»

لیخند نماد جهانی ملو از شادی، آسایش، آرامش و رضایت است

این نماد جهانی به خود معنا می‌گیرد که کارش را تمام و کمال به انجام برساند و حالا لیخند موفقیت را بر صورت دیگری رویت کند، اما شاید برای کسی که به‌عنوان مدیران گرفتار شده است، متولد چنین معنا شود که هنوز هم در گوشه‌های دنیا کسی هست که آماده و از ته دل رضایی باشد به او کمک کند. او را از بحران بیرون کشاند و در نهایت از این حس اطمینان تسمی می‌دهد. این نماد جهانی است. فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر و کارکنانش تحت سلطه خود بگیرد. هدف این است که برای همگان مشخص شود چگونه این نهضت با چالش‌های بشردوستانه آن هم از طریق رویکردهای مبتکرانه، نوآورانه و خلاقانه، راه‌های نوین می‌شود و از پس تمامی آنها با سربلندی برمی‌آید. صلیب سرخ و هلال احمری‌ها با تمرکز بر اقداماتی که می‌تواند در جامعه تأثیر گذار باشد، داستان‌های مثبت تحول و امید را با همه به اشتراک می‌گذارد و همه را به عمل به جمله «سهمیم که با دیگران، آنچه تو را به خنده و امید دارد» دعوت می‌کند.

حالا فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر در نودنهمین سالگرد تأسیس و یک سال مانده به تجربه یک سده و یک قرن بودنش، پیشاپیش روز جهانی‌اش را تبریک می‌گوید و اعلام کرده که قرار است امسال روز جهانی صلیب سرخ و هلال احمر را به خاطر دسترسی‌هایی که به شبکه جهانی پیدا کرده، به خاطر توانایی‌ها و استحکامش و به خاطر مشارکت کارمندان و نزدیک به ۱۴ میلیون داوطلبش جشن بگیرد. جشن امسال همچون هر سال دیگر تنها یک شعار دارد «همه جا برای همه» امسال فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر قصد دارد که عموم مردم را از نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر آگاه کند. این آگاهی سلما با برجسته کردن تنوع فعالیت‌ها و جهانی بودن رویکردها و مشارکتش خواهد یافت. گسترش این آگاهی پیچیده نیست، ساده است. تنها با یک تماس ساده یکی از نمایندگان جهانی را با همه به اشتراک می‌گذارد و آن نماد جهانی چیزی نیست جز یک لیخند، لیخند، نماد جهانی ملو از شادی، آسایش، آرامش و رضایت است. شاید برای یک داوطلب،

همه اینها در حالی است که ممکن است خیلی‌ها هنوز صلیب سرخ و هلال احمر را صرفاً برای خدمات اهدای خون، پاسخگویی به حوادث یا آموزش کمک‌های اولیه‌شان بشناسند. شاید باور کردنش برای من و تو کمی سخت و یا حتی کمی خنده‌دار باشد، اما چه کسی می‌داند که صلیب سرخ و هلال احمری‌ها حتی در گرفتن زهر از مار، خندانند مردم و حتی در تیم‌های فوتبالی هم شرکت دارند؟ یا چه کسی می‌داند که حتی چهار داوطلب صلیب سرخ در انگلستان مدام به این سو و آن سو می‌چرخند و صورت‌کتابی به صورت می‌زنند و شادی را با مردم سهیم می‌شوند؟